

## شانزده آذر، روز دانشجو گرامی باد

در تاریخ جنبش دانشجویی و دانش آموزی ایران همچون دیگر جنبش های اجتماعی روز های خونین و در عین حال درخشانی از مقاومت و مبارزه بر علیه استبداد سرمایه در ایران ثبت شده است. ۱۶ آذر یکی از این روزهاست. روزیکه دانشجویان توانستند دیکتاتوری سلطنتی در ایران و قدر قدرتی آنرا پس از کودتای ۲۸ مرداد به مصاف به طلبند. این خصلت مبارزه جویانه دانشجویان به عمر ایجاد دانشگاه در ایران میرسد، که همیشه در مقاطع حساس در طول حاکمیت سرمایه داری بر ایران در شکل جنگ مداوم با استبداد سرمایه حضوری قطعی داشته است. حمایت عملی و شجاعانه از جنبش های انقلابی، شرکت فعال و پیشتاز در قیام ۵۷، سپس مقابله علیه «انقلاب فرهنگی» در سال ۵۹، قیام ۱۸ تیر، برگزاری هر ساله مراسم شانزده آذر و ۱۸ تیر و... این خصلت آزادیخواهانه را در شرایط گوناگون بروز داده است. در عرصه برابری جنسی با مقابله علیه حکومت ضد زن پیشتاز بوده است و در تاریکترین روز های اختناق، پرچم برابری و آزادی و همبستگی با کارگران توسط پیشتازان این جنبش برافراشته و پاسداری شده است. با این همه جنبش دانشجویی نمی تواند رها از تاثیر اوضاع حاکم بر کل جامعه ایران و منفعت طبقات مختلف بوده باشد.

ایران اسیر استبداد سرمایه است و چشم اندازی برای رهایی از استبداد بدون رهایی از حاکمیت سرمایه برایش متصور نیست. این بحث قدیمی بین فعالین اجتماعی از دیر باز تاکنون بوده است که آیا میتوان نقض اولیه ترین حقوق اجتماعی و سیاسی را از نیاز سرمایه به سرکوب عریان جدا فرض کرد؟ سرنوشت قیام ۵۷ مهر تاییدی بر این واقعیت عریان کوید که دلیل استبداد سرمایه، نیاز های خود سرمایه داری ایران است. همزمان که بطلان بحث اول مبارزه با دیکتاتوری بعد سرمایه را اثبات نمود و نشان داد که این مبارزه اول و دوم ندارد. باید هر دو را باهم آماج حمله قرار داد. نمی توان میلیونها انسان را با فقر و مسکن و استثمار هار و مصائب اجتماعی دست بگریبان کرد، به قانون رقابت و سود سرمایه احترام گذشت، در عین حال آزادی تشکل و حق اعتصاب و اعتراض را رعایت نمود. مهم نیست کدام جناح یا دسته و با کدام ایدئولوژی این مناسبات را در ایران اداره می کند. مهم نفس این مناسبات است که همواره دیکتاتوری را ایجاب میکند. جنبش دانشجویی مثل هر جنبش اجتماعی دیگر برای آزادی ناچار است به ریشه های دیکتاتوری دست ببرد و به این خاطر است که همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران، امروز از ملزومات مبارزه با دیکتاتوری است. وجود قدرتمند و سازمان یافته جنین درکی در جنبش های اجتماعی بمثابة شرط پیروزی بر استبداد اما هنوز تامین نیست.

پراکندگی و غلبه لیبرالیسم و اصلاح طلبی که از جمله به دلیل دیکتاتوری و سرکوب عریان است مدتی توانست توهمات اصلاح رژیم را دامن بزند. امروز که اصلاح طلبان چه در قدرت و چه در اپوزیسیون خود را آزموده اند و در معرض قضاوت قرار داده اند، توهم اصلاح رژیم فرو می ریزد و یقینا با موجی از اصلاح طلبی در قامت سرنگونی خواهی رویرو خواهیم بود. در اینجا سرنگونی از نوع سرنگونی سلطنت در قیام ۵۷ مد نظر است. بر خلاف آنچه در قیام بهمن ۵۷ رخ داد، اینبار باید بتوان سرنگونی و انقلاب را با هم تلفیق نمود یعنی برای احتراز از عروج استبدادی دیگر باید سرنگونی انقلابی را تدارک دید. تدارک چنین تحولی ایجاب میکند از همین امروز شرط های پیروزی را رعایت، ایجاد و تبلیغ کنیم.

همکاری نیروهای انقلابی حول حداقل های لازم برای انقلاب در ایران و تبلیغ آلترناتیو کارگری شورایی بعنوان عام ترین مشخصه حکومت آینده ، نخستین گام عملی بسوی این هدف است . ایجاد پروژه های همکاری از این دست بستر همگرایی و مقابله علیه پراکندگی است.

زنده باد همبستگی جنبش دانشجویی با کارگران

کار - رفاه - آزادی      جمهوری شورایی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

هسته اقلیت ۲۸ آبان ۱۳۸۹